



دومین دوره مسابقات موتور ریس بانوان قهرمانی کشور، عکس از میزبان

حرکت عجیب بازیکنان تیم ملی هاکی نیوزیلند قبل از شروع مسابقه با استرالیا، عکس از خبرگزاری فرانسه



روی هم افتادن ۱۵ خودرو بر اثر توفان در اوکراین، عکس از گاردین

دنیانه روایت تصویر

در محضر بزرگان

پاسخ آیت ا... بهجت به سوالی درباره نماز اول وقت

خواندن نماز اول وقت و تداوم آن و تقید به اوقات نماز ، این که انسان تقید به نماز اول وقت داشته باشد، خود موجب تکامل نماز انسان خواهد شد. از آیت ا... بهجت سوال شد: آیا منظور آیت ا... قاضی از جمله «هرکس نماز اول وقت خواند و به جایی نرسید، مرا لعنت کند»، منظورشان نماز اول وقت با حضور قلب است؟ آیت ا... بهجت پاسخ دادند: «خیر! به هیچ وجه! فقط و فقط خواندن نماز اول وقت و تداوم آن و تقید به اوقات نماز این که انسان تقید به نماز اول وقت داشته باشد خودش موجب تکامل نماز انسان خواهد شد و راهگشای مشکلات انسان خواهد شد.

سایت الف

پند نیکان



حکایت

شروع جنگ!

سلطان محمود از طلخک پرسید: «فکر می کنی جنگ و نزاع چگونه بین مردم آغاز می شود؟» طلخک گفت: «ای پدر سوخته»، سلطان گفت: «تو همین می کنی؟ سر از بدنت جدا خواهم کرد.» طلخک خندید و گفت: «جنگ این گونه آغاز می شود، کسی غلطی می کندو کسی به غلط جواب می دهد!»

سایت تمایع

داستانک طنز

عاقبت راه رفتن روی زمین خیس!

افسر پلیس با سرعت به سمت خودروی خود رفت و با بی سیم به مرکز پلیس خبر داد که یک حادثه جنایی این جا اتفاق افتاده است! زنی، شوهرش را با شلیک گلوله کشت زیرا زن در حال تمیز کردن کف خانه بود و مرد در حالی که کف زمین هنوز خیس بود در خانه راه رفته بود. مامور مافوق افسر در ایستگاه پلیس از آن افسر پرسید: «آیا آن زن را دستگیر کردی؟» افسر پاسخ داد: «خیر، هنوز کف زمین خیس است!» ترجمه: فرنگیس یاقوتی

بریده کتاب

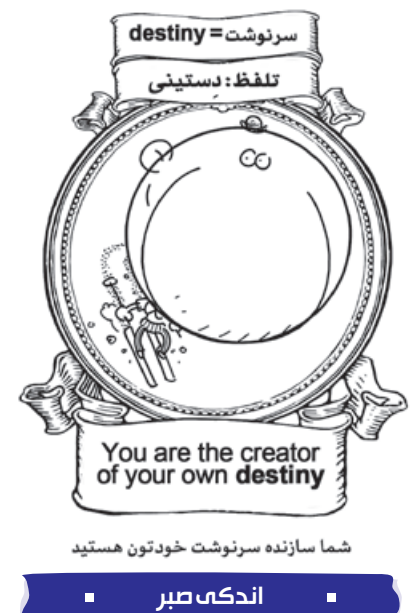
وقتی برای شاد بودن!

وقت، چیزی است که من بعد از این زیاد خواهم داشت. وقت فکر کردن و مرور دوباره و دوباره وقایع در ذهنم، وقت برای پرسیدن این سوال که می توانستم طور دیگری عمل کنم یا نه، وقت برای کابوسی دیدن در تاریکی شب. اما وقت برای التیام یافتن هم خواهم داشت و بالاخره، وقت برای دوباره عاشق شدن، وقت برای دوباره بچه دار شدن، وقت برای شاد بودن. من زنده هستم و این یک آغاز است.

برگرفته از کتاب «بشت سرت را نگاه کن»، اثر «سی بل هاگ»

انگلیش آموزی

نویسنده: میترا اتاری، تصویر ساز: سعید مرادی



عاقبت بلندپروازی!

بگو هر آن چه دلت خواست را به حضرت عشق چرا که سنگ صبور است و محرم راز است ولی بدان که شکار عقاب خواهد شد کبوتری که زیادی بلند پرواز است

سعید بیابانکی

دور دنیا

در ختانی که دوست ندار ند به هم بخور ند!



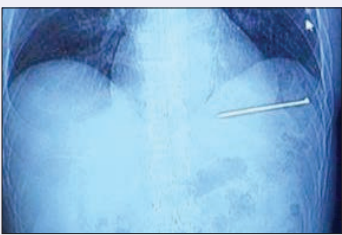
آدیتی سنترال/ «کرون شاینس» یا «سایپان» نام پدیده ای اسرار آمیز در برخی گونه های درختان است که در پی آن، شاخه های درختان یک گونه خاص هرگز یکدیگر را لمس نمی کنند و بین شاخ و برگ هر درخت با درخت دیگر فاصله ای است که به راحتی از روی زمین دیده می شود! از سال ۱۹۲۰ این پدیده به طور رسمی کشف و ثبت شد اما هنوز هم دانشمندان نتوانسته اند علتی برای این تمایل عجیب درخت ها به لمس نکردن یکدیگر پیدا کنند!

رویات فراری دهنده تمام حیوانات وحشی!



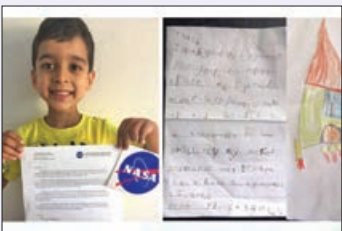
آدیتی سنترال/ ژاپنی ها که تجربه های زیادی در ساخت روایات های مختلف دارند، روایات جدید و وحشتناکی به شکل گرگ را به بازار ارائه کرده اند که تمام حیوانات وحشی را می ترساند و فراری می دهد. این روایات با دیدن حیوانات به آن ها حمله می کند و به خاطر شکل و ظاهر عجیب و ترسناک و صدای گوش خراش اش همه را فراری می دهد. با همراهی این روایات شما می توانید در مخوف ترین نقاط جنگل به راحتی قدم بزنید!

مرد تردست خوش شانس!



اسکای نیوز/ «داگ برگسون» مرد میان سال آمریکایی برای این که شانس دهد ققدر تردست و قهار است، میخی را در سینه خودش فرو برد اما نشانه گیری او اشتباه بود و این میخ به قلب او فرو رفت. او که با مرگ فاصله ای نداشت در مدت ۱۰ دقیقه خودش را به بیمارستان رساند و عکس برداری از سینه نشان داد که میخ تنها ۲ میلی متر با شریان اصلی او فاصله دارد! بدین ترتیب مرد تردست خوش شانس، از مرگ نجات پیدا کرد.

طراحی موشک فضایی توسط کودک ۴ ساله!



اسکای نیوز/ «ادریس هیلنتون» چهار ساله به قدری عاشق فضانوردی و موشک های فضایی است که همیشه در حال طراحی موشک است! این کودک با اصرار او والدین اش خواست طرح جدیدی را که کشیده است برای ناسا بفرستند.

ادریس در نامه اش به ناسا نوشته است: «من این موشک را خودم طراحی کرده و به فضا فرستاده ام. لطفا مواظب اش باشید!» والدین او بعد از گذشت دوهفته نامه ای از ناسا دریافت کردند که باعث شوک شدن آن ها شد! ناسا در نامه نوشته بود، طراحی کودک آن ها از موشک فوق العاده جالب و بی نقص است و می تواند در آینده نزدیک یک طراح بی نظیر شود! ظاهر ناسا به زودی در خواست همکاری هم برای وی خواهد فرستاد.

مسابقه شماره ۱۸۱

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!



× ؟ } - ÷



* - | = ÷



- (* × !

کله چفوکی

آق کمال واسطه آشتی می‌شود

عصر یک سر رفتم مغازه مسود رفیقم که خرت و پرت پری خانه بخرم. یگ بقالی اجاره کرده از صابکارش، اسمش هم گذاشته هابیرمارکت. از شیر مرغ تا جون آدمیزاد هم رخته توش. ماشالا سرش سلوغ بود. یگ گوشه نشستم و جله‌هاشه ورق مزدم. یادش به خیر یک زمانی چقدر مجله میخواندم، الان وقت نمکنم حتی همی روزنامه‌ای که توش می‌نویسم ره بخوانم. خیلی زور برنم شب قبل از خواب دو صفحه کتاب مخوانم که هم بوی کاغذ بهم مرسه خوابم میره. سرش خلوت رفت و آمد پیشم. تو یگ نگاه فهمیدم که مرگیش هست. پرسیدم: «واز چته؟» منتظر ای سوالم بود. گفت: «هیچی ولش کن....» نداشت حرف خودش تموم بره که ادامه داد: «با معصوم خانم حرفم رفته.... خواستم دهن وا کنم که باز گفت: «اعصایم به هم رخته... دو سه روزه زدم به کاسه کوزه هم....» تا خواست ادامه بده پریدم تو حرفش و گفتم: «خجالت نمکشی دو سه روزه با عیالت قهر کردی؟ استه گذاشتی مرد؟ برنم له و لورده‌ات کنم؟ او زن بدبخت چی گاهی کرده که گیر جانوری مثل تو افتاده؟ چند بار بهت گفتم مرعی که به زنش از گل نازک تر بگه نامرده... او زن تو خانه تو مهمونه، او خانه تنها پناهشه، هر کاری هم باهات بکنه حق ندی برنجویش....» تازه دور گیرفته بودم که مسود با چشم های وزغده شانه‌هامه گیرفت و گفت: «دداش! جان ما یواش! انقد حرص نخور، الان دور از جون یگ کاریت مره! بیا ماالشعیر بخور فشارت نیفته!» سر شب با کاملیا خانم مثلا سرزده رفتم خانه مسود که آشتی‌شان بود. قرار بود مسود مغازه باشه و مثلا بعد از ما بیه خانه. رفتم که تو، دیدم معصوم خانم دره وا کرد و خیلی خوشحال رفت. صدا زد: «مسعود آقا بیا، آقا کمال و کاملیا جان آمدن!» انا حالا خوب رفت! قرار بود که ای رگه دیونه بعد از ما بیه خانه. عیال یگ نگاهی بهم انداخت و پرسید جریان چیه؟ گفتم چمدنم رفتم تو، مسود ره کشیدم کنار که: «چی شد یزه؟ سر کاری بود؟ ما ره الکی کیشتندی اینچی؟» خندید و گفت: «نه، به هر حال دیدم خوب نیست قهر کردن مان طول بیکشه، ظهر دسته گل گیرفتم و قضیه ختم به خیر شد!» آقا جانم راست مگه که زن و شو دعوا کنن، ایلهان باور کنن. فقط مستخاست ما ره ضایع کنه!

آق کمال

تا حالا دقت کردین



ایده و اجرا: صابری و مرادی

ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

• چرا در مطلب خوشمزه های ایرانی، علاوه بر قیمه به جوج با نوشابه اشاره نکردیم؟ شما ایرانی بیار که بره بیرون شهر و جوج با نوشابه نزنه، من اسمم رو عوض می کنم.

• پرداختن به موضوع طارمی در آستانه بازی حساس در لیگ قهرمانان آسیا نشون میده که استقلاللی هستین.

• مسعود، پرسپولیسی، نیشابور می کنی. اون دفعه براتون داستان فرستادم اما چاپ نکردید. امیدوارم این دفعه چاپ کنید.

• برای مسابقه «چی شده؟» کاش علاوه بر طارمی، یارانه رو هم می گفتین. پیش بینی من اینکه که باز همه میگن «وقتی یارو ارائه اش وصل بشه»

• بخشی «یادش بخیر» خیلی عالیهِ. خاطرات شیرین دمه شصتی هاست. وای کاش ...

• حمید عزیزم سی ام مرداد، سالگرد زندگی عشاقانه ای

است که با یکدیگر آغاز کرده ایم.

• همسر عزیزتر از جانم، حسین جان تولدت رو تبریک میگم

و بابت زحماتی که برای آرامش من و دخترمون «نازنین

فاطمه» می کنی ممنونم. دوست دارم. زهرا، فاضلی، رشتخوار

فامیلی آقا سعید، گل نیست!

سلام، به پیامک بخونین با جوابش:

• ۰۹۳۹۴۰۰۹۷: سلام با توجه به

نقطه توی «حرف او» و «قالب»، اگر ممکنه

کمی برای ماه تا ساله ها توضیح دهید

دلیل پاسخ «گودال» را. متشکرم.

– اول این که: به عنوان طراح خفن

استریپ، دستتون رو می بوسم به دلیل

همراهی تون با ما. دوم این که: بدوین

شما بزرگان مایه اعتبار این سرگرمی

هستین و همراهی تون به ما پشتوانه

داده. سوم این که: گاهی شوخی های

چوانگرایانه ماروبه بزرگی تون ببخشین.

چهارم این که: (دیگه برم سر لحن

پاسخگویی خودم) اون قلاب نبود که

آخه! «حرف» بود! که کنار حرف «ه» به 80

تبدیل می شدو در کنار حرف «د» شد:

«گودال» که با هنر آقا سعید گل، تبدیل

شده به تصویری که غلط انداز باشه. یعنی

اون دو تا نقطه شبیه چشم هایی شدن

که در چهره به سمت چپ نگاه می

کردن پنجم این که: فامیلی آقا سعید،

مرادیه. گل نیست! فعلا!